

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَأَشْرِكُوا بِرَبِّكَ  
إِلهًا مِمَّنْ دُونِهِ



دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

گروه علوم تربیتی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته تحقیقات آموزشی

عنوان:

تأثیر آموزش خانواده در افزایش سازگاری اجتماعی - عاطفی دانش آموزان پسر ناسازگار دبستانی

منطقه لالجین در استان همدان

پژوهشگر:

علی اکبر عسکری

استاد راهنما:

دکتر عبدالله پارسا

استاد مشاور:

دکتر محمد رضا یوسف زاده

شهریور ماه ۱۳۸۹

**تقدیم به:**

**روح پر فتوح مادرم**

**زحمات بی شائبه پدرم**

**حمایت های ارزشمند همسرم**

**محبت های کودکانه فرزندانم**

## تقدیر و تشکر

حمد و سپاس خداوندی را که گل ستایش، از نسیم عنایت او، بر چمن زبان می روید و مرغ نیایش، به هوای رحمت بی نهایت او، از آشیان دهان پر می گشاید و از باغ لطف و رضایت او، دانه ی امید می جوید. اکنون که به لطف و عنایت خداوند متعال توانستم پژوهش حاضر را به سرانجام برسانم بر خود لازم می دانم که از راهنمایی ها و مساعدت های اساتید و دوستان گرامی که بنده را در طول این دوره به هر نحوی در انجام این کار یاری نمودند، تشکر و قدر دانی کنم. از تلاش های مجدانه و راهنمایی های ارزنده ی جناب آقای دکتر پارسا بعنوان استاد راهنما و جناب آقای دکتر یوسف زاده بعنوان استاد مشاور طرح مذکور که با بزرگواری و رفتار استاد منشانه خود مرا در نوشتن این تحقیق بسیار یاری نمودند صادقانه تقدیر و تشکر می نمایم. و همچنین از جناب آقای محمود گنجی راد معاونت محترم آموزش و نوآوری و از مدیران و آموزگاران مدارس ابتدایی شهر لالچین به خاطر مساعدت و همکاری های ارزشمندشان با بنده در انجام تمام مراحل این پژوهش، صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم. امید است در پناه خداوند متعال همیشه سلامت و در کلیه ی مراحل زندگی مخصوصاً در عرصه ی تعلیم تربیت موفق و سر بلند باشند. در پایان از پدر و مادر و همسر بزرگواریم که دعای خیرشان در تمام مراحل زندگی راه گشای مشکلات بوده بی نهایت سپاسگزارم و همواره قدردان زحمات آنها خواهم بود.

## چکیده

نام خانوادگی: عسگری مطیع	نام: علی اکبر
<b>عنوان پایان:</b> تأثیر آموزش خانواده در افزایش سازگاری اجتماعی - عاطفی دانش آموزان پسر ناسازگار دبستانی منطقه لالجین در استان همدان	
استاد راهنما: دکتر عبدالله پارسا	استاد مشاور: دکتر محمد رضا یوسف زاده
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: تحقیقات آموزشی
محل تحصیل: دانشگاه شهید چمران اهواز	
دانشکده: علوم تربیتی و روان شناسی	گروه: علوم تربیتی
تعداد صفحه: ۱۳۵	تاریخ فارغ التحصیلی: شهریور ماه ۸۹
<b>کلید واژه:</b> آموزش خانواده، سازگاری اجتماعی - عاطفی، مهارت های اجتماعی، دانش آموزان دبستانی، اختلالات رفتاری	
<p>این پژوهش یک مطالعه تجربی است که به منظور بررسی تأثیر آموزش خانواده در افزایش سازگاری اجتماعی - عاطفی دانش آموزان پسر ناسازگار دبستانی در منطقه لالجین همدان انجام شد. برای به دست آوردن نمونه پژوهش ابتدا چهار مدرسه و ۳۰۰ نفر دانش آموز به شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای از مدارس پسرانه شهر لالجین در پایه های سوم، چهارم و پنجم دبستان انتخاب شدند. سپس از این تعداد، ۶۴ نفر از طریق ابزارهای تشخیصی به عنوان دانش آموز ناسازگار معرفی شد، که آنها از طریق گمارش تصادفی به دو گروه آزمایشی و گواه تقسیم شدند. ابزارهای گرد آوری داده ها در این پژوهش شامل: الف) پرسشنامه رفتاری راتر و ب) پرسش جامعه سنجی برای تشخیص افراد ناسازگار، ج) مقیاس رفتار سازشی برای تعیین میزان رفتار سازشی در گروه آزمایشی و گواه قبل و بعد از مداخله می باشد. روش کار به این صورت بود که ابتدا هر دو گروه توسط مقیاس رفتار سازشی پیش آزمون شدند و سپس والدین گروه آزمایش در ۸ جلسه ی دو ساعته آموزش مهارت های اجتماعی شامل گوش دادن، دوست یابی، حل تعارض، ابراز وجود، همکاری، مسئولیت پذیری، قاطعیت و خویشتن داری در کلاس های آموزش خانواده شرکت کردند. پس از مداخله، بار دیگر هر دو گروه توسط مقیاس رفتار سازشی پس آزمون شدند. نتایج بیانگر این بود که بین میزان رفتار سازشی گروه آزمایشی قبل و بعد از مداخله تفاوت معنی داری وجود دارد (<math>p &lt; 0/001</math>). در حالی که در مورد گروه گواه تفاوت معنی دار نبود (<math>p = 0/99</math>). همچنین نتایج تحلیل واریانس چند راهه نشان داد که بین میزان سازگاری در دو گروه آزمایشی و گواه تفاوت معنی دار وجود دارد (<math>p &lt; 0/001</math>). عملکرد آزمودنی ها در حیطه های مختلف سازگاری معنی دار بود (<math>p &lt; 0/05</math>). نتیجه نهایی این پژوهش بیانگر این است که آموزش مهارت های اجتماعی به والدین بر کاهش ناسازگاری اجتماعی - عاطفی دانش آموزان پسر ناسازگار دبستانی تأثیر مثبت دارد. به همین رو لازم است که نهاد تربیت، سازوکار این آموزش ها را طراحی و تقویت کند.</p>	

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات پژوهش

۲	مقدمه.....
۳	بیان مسأله.....
۷	اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۸	اهداف پژوهش.....
۹	فرضیه های پژوهش.....
۱۰	تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها.....

### فصل دوم: ادبیات تحقیق

۱۶	آموزش بزرگسالان.....
۱۷	آموزش خانواده.....
۱۹	جایگاه آموزش خانواده در جهان امروز.....
۲۰	تاریخچه تشکیل فدراسیون آموزش خانواده در دنیا و ایران.....
۲۱	اهداف آموزش خانواده.....
۲۲	اصول حاکم بر آموزش خانواده.....
۲۳	رویکردهای رایج در آموزش خانواده.....
۲۷	دیدگاه ها و رویکردهای مرتبط با خانواده درمانی.....
۲۸	دیدگاه روان پویایی.....
۲۸	دیدگاه خانواده آدلری.....
۲۹	دیدگاه نظام های خانواده.....
۲۹	دیدگاه رفتاری و شناختی - رفتاری.....

تحلیلی بر رویکرد های خانواده درمانی ..... ۳۰

## فهرست مطالب

عنوان ..... صفحه

محتوای آموزش خانواده.....	۳۱
نظریه های رشد.....	۳۳
سازگاری.....	۳۸
ویژگی ها و عوامل مؤثر بر سازگاری.....	۳۹
نظریه بوم شناختی.....	۴۲
نا سازگاری.....	۴۴
اختلال رفتاری کنترل نشده.....	۴۶
اختلال رفتاری بیش از حد کنترل شده.....	۴۸
انواع ناسازگاری ها.....	۵۱
سازگاری و ناسازگاری در کودکان از نگاه فرهنگ دینی.....	۵۲
تحقیقات خارجی.....	۵۴
تحقیقات داخلی.....	۶۱
جمع بندی پژوهش های انجام شده.....	۶۶

## فصل سوم: روش پژوهش

نوع پژوهش.....	۶۹
جامعه پژوهش.....	۷۰
حجم و شیوه نمونه گیری.....	۷۰
ابزار گرد آوری اطلاعات.....	۷۱
روایی و پایایی ابزار گرد آوری داده ها.....	۷۴

۷۶.....	روش تجزیه و تحلیل داده ها.....
۷۷.....	روش اجرا.....

---

### فهرست مطالب

---

صفحه

عنوان

#### فصل چهارم: یافته های پژوهش

۸۱.....	یافته های توصیفی.....
۸۷.....	یافته های مربوط به فرضیه های پژوهش.....

#### فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۹۶.....	مقدمه.....
۹۷.....	تبیین یافته ها.....
۱۱۳.....	پیشنهادهای پژوهشی.....
۱۱۳.....	پیشنهادهای کاربردی.....
۱۱۴.....	محدودیت های پژوهش.....
۱۱۷.....	منابع فارسی.....
۱۲۱.....	منابع لاتین.....
۱۲۵.....	پیوست ها.....
۱۳۵.....	چکیده انگلیسی.....



## فهرست جداول

جدول ۱-۳ : ضرایب پایایی پرسشنامه راتر و کل مقیاس رفتار سازشی به روش آلفای کرونباخ و اسپیرمن-برون.....	۷۵
جدول ۲-۳: ضرایب پایایی حیطه های مختلف مقیاس رفتار سازشی.....	۷۵
جدول ۳-۳: برنامه زمانی و محتوایی کلاس های آموزش خانواده.....	۷۹
جدول ۱-۴: میانگین و انحراف معیار نمرات پیش آزمون حیطه های مختلف مقیاس رفتار سازشی در دو گروه آزمایشی و گواه.....	۸۲
جدول ۲-۴: میانگین و انحراف معیار نمرات پس آزمون حیطه های مختلف مقیاس رفتار سازشی در دو گروه آزمایشی و گواه.....	۸۳
جدول ۳-۴: مقایسه میانگین و انحراف معیار نمرات پیش آزمون و پس آزمون حیطه های مختلف مقیاس رفتار سازشی در گروه آزمایش.....	۸۴
جدول ۴-۴: مقایسه میانگین و انحراف معیار نمرات پیش آزمون و پس آزمون حیطه های مختلف مقیاس رفتار سازشی در گروه گواه.....	۸۵
جدول ۵-۴: مقایسه میانگین و انحراف معیار نمرات پیش آزمون و پس آزمون کل مقیاس رفتار سازشی در دو گروه آزمایشی و گواه.....	۸۶
جدول ۶-۴: نتایج تحلیل واریانس چند عاملی بر روی تفاضل نمره های پیش آزمون و پس آزمون مؤلفه های مقیاس رفتار سازشی در گروه های آزمایشی و گواه.....	۸۸
جدول ۷-۴: اثرهای بین آزمودنی ها مربوط به نمرات پیش آزمون و پس آزمون خرده مقیاس های رفتار سازشی در گروه های آزمایشی و گواه از طریق تحلیل واریانس چند عاملی.....	۸۹
جدول ۸-۴: مقایسه میانگین و انحراف معیار تفاضل نمرات پیش آزمون کل مقیاس رفتار سازشی در دو گروه آزمایش و گواه از طریق تی تست گروه های مستقل.....	۹۳
جدول ۹-۴: مقایسه میانگین و انحراف معیار تفاضل نمرات پس آزمون کل مقیاس رفتار سازشی در دو گروه آزمایش و گواه از طریق تی تست گروه های مستقل.....	۹۳



**فصل اول**  
**کلیات پژوهش**

## مقدمه

یکی از خصوصیات انسان رشد یافته اجتماعی، برخورداری از روحیه تعاون و تعامل اجتماعی است. نظام جامعه بر همکاری استوار است. جامعه‌ای که روح همکاری در میان آن نباشد دچار رکود، سکون، افسردگی، گسستگی معنوی و عدم کارآیی خواهد شد. در بین تمامی سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، خانواده از جایگاه خاصی برخوردار بوده، عامل اصلی القاء ارزش‌ها و هنجارها و مهارت‌های اجتماعی به کودکان محسوب شده و در رشد و تکامل شخصیت فرزندان تأثیرات عمده‌ای دارد. جهانگرد (۱۳۸۵) معتقد است که خانواده‌ها تشکیل دهنده‌ی ملت‌ها و جوامع بشری هستند. به عقیده‌ی وی، ارزش‌های اجتماعی که مبنای تدوین مقررات حقوقی است از ویژگی‌ها و ایده‌های اعضای خانواده نشأت می‌گیرند. گاهی در مدارس با دانش‌آموزانی روبرو می‌شویم که در رفتارهایی از قبیل معاشرت و ارتباط با دیگران، همکاری با دیگران، شرکت در فعالیت‌های گروهی، دوست‌یابی، قبول و پذیرش مسؤلیت مشکلاتی دارند و عدم تقویت خصلت‌های مثبت اجتماعی در دوران کودکی می‌تواند در آینده به صورت عمیق‌تر و جدی‌تر نمایان شود. طاهری (۱۳۸۶، نقل در صافی، ۱۳۸۸) گزارش کرده است که بدون تردید آگاهی اولیاء و اعضای خانواده از حقوق متقابلی که نسبت به یکدیگر دارند در تنظیم و برقراری حُسن روابط با کودکان، اثری انکارناپذیری دارد. وی اظهار داشته بین میزان آگاهی والدین از فرایند رشد، تحول و نیز ضعف‌ها و قابلیت‌های فرزندانشان با چگونگی تربیت صحیح و برخورد مناسب با آنها بویژه در هنگام بروز دشواری و بحران‌ها رابطه نزدیکی وجود دارد (نقل از صافی، ۱۳۸۸). برای اینکه شخصیت و هویت هر فرد در دوران کودکی و درون خانواده شکل می‌گیرد، لذا نقش خانواده در آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به فرزندان بسیار مهم است. اجتماعی شدن جریانی است که در آن هنجارها، مهارت‌ها، انگیزه‌ها، طرز تلقی‌ها و رفتارهای فرد شکل می‌گیرد تا ایفای نقش کنونی یا آتی او در جامعه مناسب و مطلوب شناخته شود. این جریان از همان لحظه تولد کودک که وی را لباس می‌پوشانند و به گهواره می‌گذارند و یا در مقابل گریه او واکنش معینی را نشان می‌دهند، آغاز می‌شود و در آن برخی از افراد و گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی نقش کلیدی دارند. پدر و مادر، برادر و خواهر، مربیان و معلمان بخش بزرگی از وقت خود را برای ارزش‌ها و جهت دادن و تغییر رفتار کودکان صرف می‌کنند.

سازمان، مدرسه، مسجد و نهادهای گوناگون دولتی و غیر دولتی که وظیفه انتقال فرهنگی را برعهده دارند، همچنین وسایل ارتباط جمعی (به ویژه تلویزیون) نیروهای قدرتمندی در شکل دادن به طرز تلقی ها و خواسته ها و رفتار کودکان هستند (کارتلیج و میلبرن<sup>۱</sup>، ۱۳۸۵). کودکان از طریق فرایند اجتماعی شدن، ارزشها، اعتقادات و معیارهای رفتاری را که فرهنگشان از آن انتظار دارد، می آموزند. پس در دوران کودکی فرآیندهای اجتماعی شدن پیچیده و گوناگون تر می شود. برای کودکان سنین مدرسه<sup>۲</sup> خانواده، گروه همسالان و مدرسه نقش زیادی در اجتماعی شدن آنها دارد. کودکان از طریق کسب مهارتهای اجتماعی مهمی نظیر همکاری، سازش، ارتباط و دوست یابی به درون گروه، همسالان خود راه یافته پایه و اساس زندگی اجتماعی خود را تشکیل می دهند (هابر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). بنابراین تعاملات اجتماعی اولیه با والدین و ارتباطات بعدی با گروه همسالان و دیگر بزرگسالان باعث افزایش مهارتهای سازگاری و تطابق در آنها می شود (استوارت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). در این زمینه کایرنز<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) بیان می کند که فرایندهای سازگاری در زمینه ارتباطات اجتماعی شکل می گیرد. بطور کلی می توان چنین گفت که اجتماعی شدن زمینه افزایش سازگاری را در افراد فراهم می کند.

## بیان مسأله

آزاد (۱۳۷۶)، بیان می کند که سازگاری هر فرد مستلزم برآوردن نیازهای شخصی مطابق با واقعیت های محیطی است. سازگاری جریانی پویا است. هر فرد به محیط و تغییراتی که در آن رخ می دهد واکنش نشان می دهد. تعیین این که شخص تا چه اندازه می تواند با محیط و تغییرات سازگار شود به دو عامل بستگی دارد: (۱) خصوصیات شخصی یعنی مهارتها و حالات بدنی (۲) ماهیت موقعیت هایی که با آن مواجه می شود (مانند کشمکشهای خانوادگی). چون شخص و محیط همواره در حال تغییر و تحول هستند، پس سازگاری باید همواره با توجه به این دو عامل صورت پذیرد. فلنر<sup>۶</sup> و دیگران (۱۹۹۵) معتقدند که تجارب

---

1. Cartledge & Milburn  
 2. School age children  
 3. Haber  
 4. Stuart  
 5. Cairns  
 6. Felner

اولیه محیطی به طور معناداری با سازگاری اجتماعی - عاطفی افراد ارتباط دارد. افراد سازگار معمولاً قادر به برقراری ارتباطات موفق اجتماعی هستند. حال اگر به هر علتی فرد از برقراری ارتباط با دیگران و محیط اجتماعی خود ناتوان باشد، گفته می شود چنین فردی دارای رفتار ناسازگار یا به عبارتی مبتلا به اختلالات رفتاری است. کمیته اسکاتلند، ناسازگاری در کودکان را شامل رفتار بد، بی قراری و ناآرامی، پرخاشگری، ترس از مدرسه، بزدلی، کمرویی و ناشادی، ناتوانی در ایجاد دوستی، تأخیر مداوم در رفتن به مدرسه، فرار از مدرسه و دیر آموزی، شب ادراری، مشکلات خواب، در رؤیا رفتن، عدم تمرکز حواس و بسیاری از مشکلات دیگر دانسته است و خاطر نشان می کند که حدود ۵ درصد از کودکان مدرسه را می توان تحت عنوان ناسازگار تلقی کرد (کارتلیج و میلبرن، ۱۳۸۵). مطالعاتی که در انگلستان و آمریکا انجام شد، نشان می دهد که در حدود یک چهارم کودکان سنین پیش دبستانی دچار مشکلات رفتاری بوده اند (داگلاس، ۱۳۸۵). تحقیقات متعدد حاکی از تنوع و تعدد مشکلات و اختلالات رفتاری کودکان در برخی از کشورها بوده است (ریچمن<sup>۱</sup> و همکاران، نقل در داگلاس، ۱۳۸۵؛ آنتونی و دیگران، نقل در نلسون، ۱۳۷۱).

همچنین در کشور ما ایران نیز در مورد شیوع اختلالات رفتاری در سنین کودکان تحقیقات چندی صورت گرفته که بیانگر بالا بودن میزان شیوع این اختلال است (موسوی، ۱۳۸۸؛ سالاری، شاملو، هومن و پور شهبازی، ۱۳۸۷؛ نگرایی، ۱۳۸۵؛ سعادت مند، ۱۳۷۹؛ نوروزی، ۱۳۷۷). با توجه به مواردی که گفته شد می توان به اهمیت مسأله ناسازگاری در میان کودکان و نوجوانان پی برد و از آنجا که اختلالات رفتاری در کشور ما نیز مانند سایر کشورها از شیوع بالایی برخوردار است، لذا لزوم رسیدگی به آن بیش از پیش آشکار می شود. تحقیقات نشان می دهد کودکانی که با شکست های تحصیلی مداوم روبرو می شوند، بطور اجتناب ناپذیری مشکلات عاطفی - رفتاری از خود بروز می دهند. پس می توان گفت که بین مشکلات رفتاری و مشکلات یادگیری در دبستان ارتباط وجود دارد. به طوری که ۳۳ تا ۸۰ درصد از کودکان دارای مشکلات رفتاری، در کلاس نیز مشکلاتی دارند. در واقع می توان گفت کودکان ناسازگار فاقد مهارت های اساسی مربوط به کلاس درس بوده و در نتیجه در یادگیری ناتوان می باشند (دورکین، ۱۳۷۶).

فرد ریکسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۲، نقل در مورگان و اسکات، ۲۰۰۶) نیز در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که کودکان دبستانی که از نظر عملکرد اجتماعی ضعیف بوده و توسط همسالان خود طرد می شوند، در مقاطع بعدی تحصیلی خود موفقیت کمتری داشته، از مدرسه گریزان بوده و بیشتر در معرض بزهکاری و رفتارهای ضد اجتماعی قرار می گیرند. با توجه به مطالب ذکر شده می توان به اهمیت نقش مهارت های اجتماعی در کاهش و درمان ناسازگاری در کودکان پی برد. به طور کلی رشد مهارت های اجتماعی بخشی از جریان اجتماعی شدن فرد است و هرگونه آموزشی در این زمینه باید در خصوص اجتماعی شدن فرد صورت پذیرد. فیلیپس<sup>۲</sup> (۲۰۰۱، نقل در مورگان و اسکات، ۲۰۰۶) بیان می کند که مهارت های اجتماعی در هر دوره ای از زندگی که آموخته شوند، پایه و اساس احساس کفایت و جلوگیری از احساس بی کفایتی در آینده خواهند شد. بطور کلی شواهد موجود نشان دهنده ی این است که بعضی برنامه های آموزش مهارت های اجتماعی در افزایش پذیرش دوستان از سوی همسالان موفق بوده، و بعضی از این برنامه ها باعث ایجاد رفتار مثبت در کودکان شده اند. بر عکس کودکانی که دارای سطوح پایینی از مهارت ها و رفتارهای موافق اجتماعی بوده، سازگاری کمتری داشته و بیشتر از جانب همسالان طرد می شدند. با توجه به این موارد می توان به این مهم دست یافت که کودکان ناسازگار معمولاً مهارت های اجتماعی پایه، برای حفظ و پیشبرد تعامل و ارتباط با دیگران را یاد نگرفته اند (استوارت، ۲۰۰۳). این مسأله باعث افزایش انگیزه برای کوششهایی در جهت شناسایی مهارت های اجتماعی مناسب و طرح مداخلات مؤثر و آموزش مهارت های اجتماعی در سطح وسیعی شده است. در این زمینه روشهای شناختی - رفتاری برای بهبود مهارت های اجتماعی کودکان، کمک کننده است. از این طریق به کودکان کمک می شود تا برای سازش با موقعیت های مشکل زای زندگی روزمره خود مهارت های مورد نظر را فرا بگیرند. پس، آموزش مهارت های اجتماعی در این خصوص، مداخله ای با ارزش است که توسط والدین صورت می گیرد. وارما (۱۳۸۸) اظهار داشته است که محیط خانواده، یعنی محیطی که کودک نخستین تجربه های خود را در آن جا به دست می آورد، فضای مساعدی است که در آن استعداد های کودک به سیر طبیعی می افتد و منشاء دگرگونی و تحول در او می گردد؛ تحولی که بنای شخصیت او را پی ریزی می کند.

چنانچه والدین به عنوان افرادی که در ایجاد این فضا سهم اول و اساسی را دارند، صبر و متانت را پیشه سازند، زمینه را برای انطباق و سازگاری هرچه بیشتر فرزندان خود در زندگی فراهم می‌سازند و در واقع برای کودکان زمین‌های مساعدی جهت رشد آن دسته از ویژگی‌های شخصیتی فراهم می‌کنند که به آنها امکان تطبیق با شرایط گوناگون اجتماعی را می‌دهد. در حالی که اعمال خشونت خانواده و انتظارات بیش از حد از کودکان، منجر به عدم اعتماد به نفس در کودکان شده و در وجودشان آتشی از طغیان را می‌افروزد که خود را به صورت رفتارهای نابهنجار نشان می‌دهد. کثر رفتاری‌های اجتماعی و یا به اصطلاح رفتارهای نابهنجاری مانند پرخاشگری، انزوا، عادات ناپسند و... به ارتباط سالم فرد با محیط اجتماعی پیرامون خود صدمه می‌زند. در واقع در چنین حالتی، فرد در ایجاد یک ارتباط اثر بخش و توأم با تفهیم و تفاهم که اثری سازنده و مثبت برای طرفین ارتباط داشته باشد، عاجز خواهد بود. مضرات و آسیب‌های ناشی از این عجز و ناکامی، فقط متوجه فرد نخواهد شد؛ بلکه دامنه آن به اطرافیان نیز گسترش خواهد یافت. اعمال و اقدامات فرد دارای رفتار نابهنجار می‌تواند واکنش‌های منفی و حتی شدیدی از جانب اطرافیان داشته باشد و گاه به طرد فرد از گروه منجر شود. رانده شدن از جمع نیز به نوبه خود می‌تواند تبعاتی چون تخصص را در پی داشته باشد که به تشدید تنش می‌انجامد. امروزه از ویژگی‌های مهم یک شهروند مفید تربیت شده، توانایی برقراری ارتباط توأم با تفاهم و سازنده است و علاوه بر مدرسه، قبل از مدرسه و حتی گاه مهمتر از مدرسه، نهاد خانواده است که نقش کاملاً تأثیرگذاری در شکل‌گیری و نهادینه شدن رفتارهای سالم اجتماعی در فرزندان دارد. وجود یک محیط خانوادگی مساعد و توانمند و آگاه از اهمیت موقعیت‌های تربیتی از این قبیل، بستر ارزشمندی برای رشد و تربیت صحیح اجتماعی کودکان است.

مساعد بودن محیط خانواده، علاوه بر این که شرایطی مانند وضعیت اقتصادی، سطح سواد، ارزش‌ها و ایده-آل‌های خانوادگی، تعداد فرزندان و مانند آن را شامل می‌شود، مستلزم آگاهی و دانش کافی پدران و مادران از شیوه‌های صحیح تربیت و تعامل با فرزندان نیز هست که به ویژه در سنین کودکی که ظرفیت اطاعت-پذیری و همنوایی فرد بالاتر است، از شدت تأثیر بیشتری برخوردار خواهد بود. پژوهش‌ها و نظریات علمی همه نشان دهنده این واقعیت هستند که بسیاری از مسائل و مشکلات رفتاری فرزندان را می‌توان با استفاده از

آموزش‌های ارائه شده برای والدین تحت عنوان مهارت‌های اساسی زندگی برطرف یا کاهش داد (مفیدی، ۱۳۸۵؛ ناظر، ۱۳۷۳؛ کاکیا، ۱۳۸۶؛ کوچکی، ۱۳۸۲؛ تامپسون و همکاران، ۲۰۰۱).

با توجه به اینکه هدف از آموزش اولیاء، ارتقاء سطح آگاهی خانوادها و وقوف آنها نسبت به توانایی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه خویش با استفاده از ابزارهای لازم برای مواجهه با شرایط و موقعیت‌های مختلف در تربیت فرزندان و ایجاد کانون گرم خانوادگی و همچنین مشارکت در رشد و توسعه اجتماعی و احراز شرایط شهروندی مفید می‌باشد، لذا آموزش خانواده را می‌توان فرایندی دانست که باید با توجه به امکانات تربیتی عامی که به طور خود جوش در سطح جامعه وجود دارد به صورتی سازمان یافته و نظام‌مند انجام یابد، تا جامعه و خانواده‌ها از نوعی امکانات تربیتی که حاصل مرور زمان و کسب تجارب مختلف در فراز و نشیب زندگی هستند برخوردار گردند. لذا در این پژوهش، آموزش والدین به عنوان یک راهبرد عملی و مداخله مؤثر در جهت پیشگیری و کاهش رفتارهای نابهنجار و ناسازگارانه در کودکان مطرح می‌گردد تا خانواده‌ها در این کلاس‌ها با فنون و شیوه‌های صحیح تربیتی آشنا شده و بتوانند کودکان سالمی را تحویل جامعه بدهند. لذا با توجه به اهمیت آموزش خانواده در پیشگیری از بروز مشکلات کودکان، تحقیق حاضر در صدد بررسی این مسئله است که آموزش خانواده تا چه میزان در افزایش سازگاری‌های اجتماعی - عاطفی دانش آموزان پسر ناسازگار دبستانی تأثیر دارد؟

### ضرورت و اهمیت تحقیق:

کودکان، سرمایه‌های ارزشمند و سازنده‌ی آینده‌ی جامعه هستند. نظام تعلیم و تربیت از جمله خانواده در دوره‌ی کودکی که زمان شکل‌گیری شخصیت، ایجاد عادات مختلف و پیشگیری از بروز مشکلات است، آینده‌ی فرد و جامعه را بنا می‌نهد و مسیر حرکت مملکت را مشخص می‌سازد. توجه به مسائل و مشکلات کودکان باعث پیشرفت و ترقی جامعه می‌شود و غفلت در رفع مشکلات آنان، خسارات جبران‌ناپذیری هم بر فرد و هم بر جامعه وارد می‌سازد. از این رو، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش ابتدایی و به تبع آن خانواده، از حساسترین و مهم‌ترین وظایف دست‌اندرکاران و مسؤولان جامعه است که انگیزه‌ها و محرک‌های لازم را برای ادامه رشد و تکامل طبیعی و سالم دانش‌آموزان فراهم کنند و امکان کسب معرفت و مهارت‌های ضروری و ارزش‌های متعالی برای بهره‌مندی از زندگی مطلوب را فراهم



آورند و با تربیت کودکانی با سلامت کامل عاطفی، روانی و اجتماعی پایه گذار یک جامعه سالم و ایده آل باشند. لذا دوره ی کودکی را دوره ای بسیار پرحادثه و مهم از زندگی می دانند که پایه و بنیان بزرگسالی را تشکیل می دهد، بنابراین اهمیت این مسأله آشکار می شود و بر تمامی اولیاء، مسؤولین و مشاورین مدرسه است که نسبت به حل مشکلات و اختلالات رفتاری و هیجانی دانش آموزان همت ورزند و در برخورد با دانش آموزان ناسازگار با کمال درایت و دلسوزی، علم و آگاهی عمل نمایند. از میان عوامل تأثیر گذار بر تعلیم و تربیت کودکان، خانواده اولین و مهم ترین پایگاه در رشد مهارت های اجتماعی و عواطف کودکان به حساب می آید، اگر والدین نیز به اهمیت نقش خود در تربیت کودکان پی ببرند، شیوه های صحیح ایجاد روابط بین فردی مناسب، حل تعارضات و کشمکش ها بدون توسل به زور، دوست یابی، ابراز وجود و خویشتن داری را بیاموزند و آنها را در خانه به کودکان خود انتقال دهند، بسیاری از این اختلالات رفتاری و عاطفی در کودکان به وجود نخواهد آمد. با استفاده از نتایج این تحقیق، مسؤولین آموزش پرورش و به خصوص مشاوران و معلمان مدارس، با فراگرفتن آموزش های مختصری در این زمینه، می توانند کمک شایانی به دانش آموزان بکنند و با تشکیل جلسات آموزش مهارت های اجتماعی، در کاهش ناسازگاری- های اجتماعی- عاطفی دانش آموزان قدم بردارند و به جای استفاده از روش های خشن و آسیب رسان، با برقراری ارتباط صحیح و دوستانه با دانش آموزان بتوانند مشکلات رفتاری آنان را حل نمایند. نتایج این تحقیق در مراکز پیش دبستانی و دوره راهنمایی نیز کاربرد دارد. با توجه به این که ناسازگاری در کودکان و نوجوانان این سنین شایع تر است، آموزش مهارت های اجتماعی از طریق اولیا و مربیان این مراکز می تواند به عنوان یک روش درمانی بر کاهش انواع ناسازگاری در آنها مفید باشد.

### اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش تعیین تأثیر آموزش والدین در افزایش سازگاری اجتماعی- عاطفی دانش آموزان پسر ناسازگار دبستانی منطقه لالچین استان همدان است.

### همچنین اهداف ویژه این پژوهش عبارتند از:

۱- تعیین میزان رفتار سازشی گروههای آزمایشی و گواه قبل از طرح آموزش خانواده

۲- تعیین میزان تأثیر مداخله آزمایشی (آموزش خانواده) در رفتار سازشی

### فرضیه‌های پژوهش:

این پژوهش شامل فرضیه اصلی زیر و ده فرضیه فرعی مربوط به حیطه‌های مختلف رفتار سازشی است که آنها را به محک آزمایش گذاشته است.

### فرضیه اصلی:

آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به والدین باعث کاهش ناسازگاری اجتماعی - عاطفی دانش آموزان پسر ناسازگار دبستانی می‌شود.

### فرضیات فرعی:

این فرضیات، مرتبط به دومین هدف ویژه تحقیق می‌باشد که به منظور تحقق آن، فرضیات فرعی ذیل به محک آزمون گذاشته می‌شوند.

۱- آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به والدین در کاهش میزان رفتار خشونت‌آمیز دانش‌آموزان پسر ناسازگار دبستانی مؤثر خواهد بود.

۲- آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به والدین باعث کاهش رفتار ضد اجتماعی دانش‌آموزان پسر ناسازگار دبستانی می‌شود.

۳- آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به والدین در کاهش میزان رفتار عصبانی دانش‌آموزان پسر ناسازگار دبستانی مؤثر خواهد بود.

۴- آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به والدین در کاهش میزان رفتار غیرقابل اعتماد دانش‌آموزان پسر ناسازگار دبستانی مؤثر خواهد بود.

۵- آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به والدین موجب کاهش رفتار کناره‌گیری دانش‌آموزان پسر ناسازگار دبستانی می‌شود.

- ۶- آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به والدین باعث کاهش رفتارهای نامناسب اجتماعی دانش‌آموزان پسر ناسازگار دبستانی می‌شود.
- ۷- آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به والدین باعث کاهش عادات ناپسند صوتی دانش‌آموزان پسر ناسازگار دبستانی می‌شود.
- ۸- آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به والدین باعث کاهش عادات ناپسند یا عجیب دانش‌آموزان پسر ناسازگار دبستانی می‌شود.
- ۹- آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به والدین باعث کاهش گرایش به بیش‌فعالی دانش‌آموزان پسر ناسازگار دبستانی می‌شود.
- ۱۰- آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به والدین باعث کاهش آشفتگی‌های روانی دانش‌آموزان پسر ناسازگار دبستانی می‌شود.

### تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها:

#### آموزش خانواده:

**الف) تعریف مفهومی:** نوعی تعلیم و تربیت گروهی است که برنامه‌های آموزشی وسیعی را شامل می‌شود و به والدین کمک می‌کند تا دانش و توانایی‌های خود را در زمینه پرورش و تربیت فرزندان به نحو مطلوبی گسترش دهند. این آموزش‌ها همچنین تا حدودی جنبه پیشگیری دارند و از ایجاد ناسازگاری اجتماعی و عاطفی جلوگیری می‌کنند و به پیشرفت و بهبود سلامت روانی فرزندان کمک می‌نمایند (شفیع آبادی، ۱۳۸۷، ص ۲۲).

**ب) تعریف عملیاتی:** در این تحقیق آموزش والدین شامل ۸ جلسه ۲ ساعته و جمعاً ۱۶ ساعت کلاس آموزشی است که در این کلاس‌ها، مهارت‌های اجتماعی گوش دادن، دوست‌یابی، حل تعارض، ابراز وجود، همکاری، مسئولیت‌پذیری، خویشتن‌داری و قاطعیت، توسط مربی به والدین آموزش داده می‌شود. از والدین انتظار می‌رود این مهارت‌ها را بخوبی یاد گرفته و آنها را به فرزندان خود منتقل کنند و از دانش‌آموزان انتظار می‌رود با یادگیری این مهارت‌ها، رفتارهای سازگارانه خود را افزایش دهند.

**سازگاری اجتماعی - عاطفی:**

**الف) تعریف مفهومی:** عبارت است از مکانیسم‌هایی که توسط آنها یک فرد توانایی تعلق به یک گروه را پیدا می‌کند. بنابراین لازمه سازگاری اجتماعی، بروز تغییرات در فرد بوده و نیازمند یکپارچگی مکانیسم‌هایی است که توسط آنها گروه یک عضو جدید را می‌پذیرد (کارتلج و میلبرن، ۱۳۸۵).

**ب) تعریف عملیاتی:** دانش‌آموزانی که در پرسشنامه رفتاری راتر (۱۹۷۰) نمره کمتر از ده و در پرسش‌نامه سنجی بیشتر از دو انتخاب مثبت داشته باشند، به عنوان دانش‌آموزان سازگار معرفی خواهند شد. نمره این دانش‌آموزان در پرسشنامه مذکور معرف توانایی آنان در سازگاری اجتماعی - عاطفی است.

**ناسازگاری اجتماعی - عاطفی:**

**الف) تعریف مفهومی:** عبارت است از مکانیسم‌هایی که توسط آنها یک فرد توانایی تعلق به یک گروه را پیدا نمی‌کند، در چنین موقعیتی فرد در خود، عدم هماهنگی با دیگران، و نداشتن ارتباط نزدیک با دیگران را احساس می‌کند (کارتلج و میلبرن، ۱۳۸۵).

**ب) تعریف عملیاتی:** در این تحقیق دانش‌آموزانی که از پرسشنامه راتر، نمره ۱۰ یا بالاتر کسب کنند و در پرسش‌نامه سنجی کمتر از ۲ انتخاب مثبت داشته باشند، به عنوان دانش‌آموزان ناسازگار معرفی خواهند شد. دو پرسشنامه راتر و جامعه سنجی به عنوان ابزارهای تشخیصی به کار برده خواهند شد.

**اختلال رفتاری**

**الف) تعریف مفهومی:** اختلالی است که در آن کودک یا نوجوان از هوش عادی یا بالاتر برخوردار بوده اما رفتاری غیرعادی و ناهنجار دارند و به طور عادی قادر به حفظ رابطه با افراد دیگر نیستند.

**ب) تعریف عملیاتی:** در این پژوهش منظور از اختلال رفتاری، وجود رفتارهایی چون، پرخاشگری و بیش‌فعالی همراه با کاستی توجه، بد رفتاری دانش‌آموزان، رفتارهای ضد اجتماعی و ناشایست، انزوا و گوشه‌گیری است که بر اساس مدرک‌های تشخیصی تدوین شده در لیستی که در اختیار معلمان قرار می‌گیرد، معین می‌شوند (داگلاس، ۱۳۸۵).